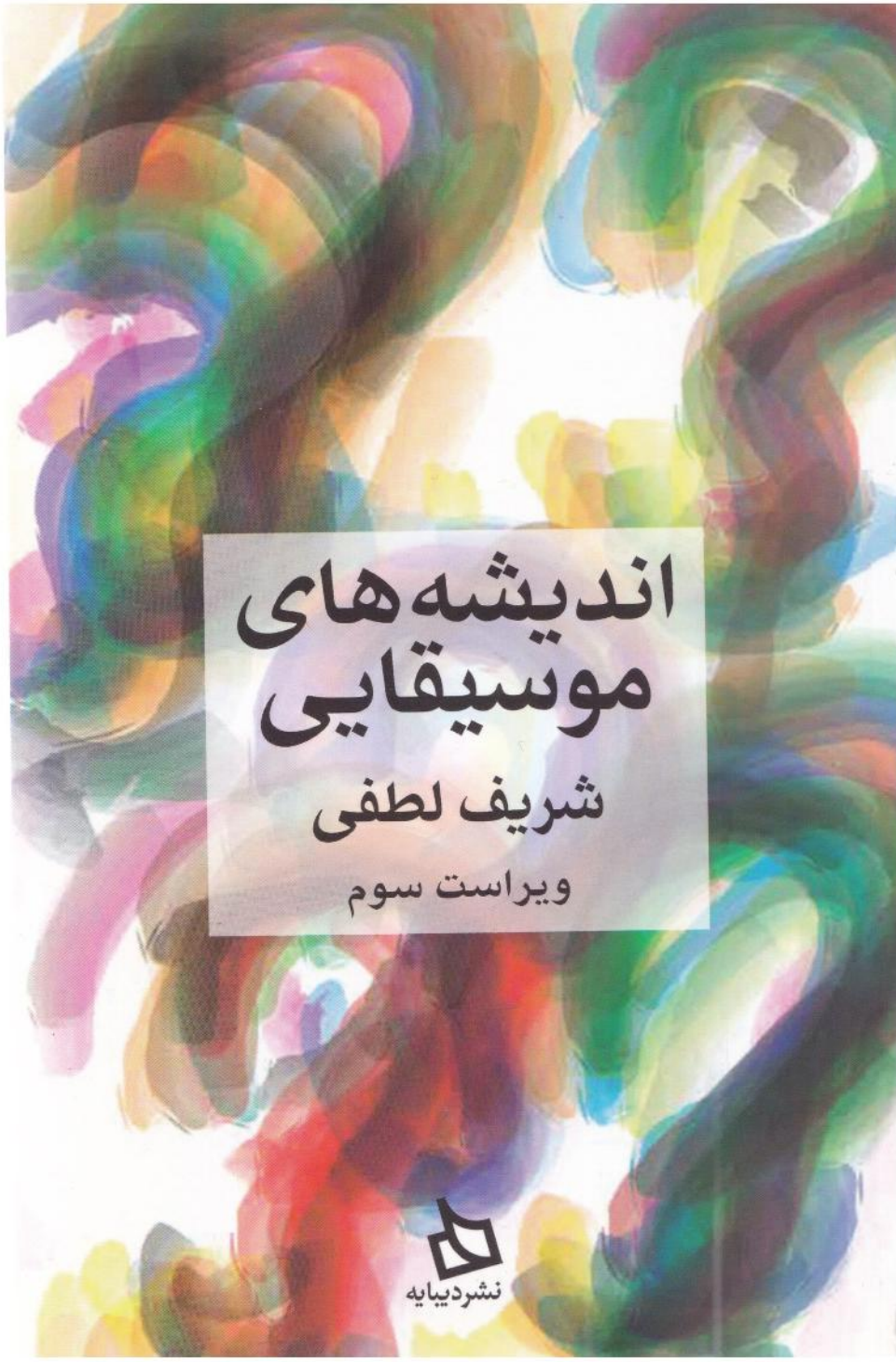




اندیشه‌های موسیقایی

شریف لطفی

ویراست سوم

سرشناسه: لطفی، شریف، ۱۳۲۹
عنوان و نام پدیدآور: اندیشه‌های موسیقایی / شریف لطفی
مشخصات نشر: تهران: دیبایه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص؛ ۱۳×۵/۲۱؛ ۵/۱۳ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۱۳-۳۸-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: چاپ سوم.
موضوع: موسیقی -- مطالب گونه‌گون
موضوع: Music -- Miscellanea
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ الف ۶۳/ML
رده‌بندی دیویی: ۷۸۰/۰۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۵۷۷۵۳

اندیشه‌های موسیقایی
پدیدآور: شریف لطفی
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان
چاپ چهارم: ۱۴۰۰
شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۱۳-۳۸-۴
تلفن فروش نشر دیبایه: ۵۵۴۲۸۹۰۱
با همکاری انجمن فیلامونیک ایران


نشر دیبایه
انجمن
فیلامونیک ایران
Iran Philharmonic
Society
www.dibayeh.ir
www.tab.ir
www.farhang.ir
@dibayehpub
dibayeh.pub

حقوق چاپ و انتشار این اثر برای نشر دیبایه محفوظ است.
تکثیر و تولید مجدد آن به هر صورت (چاپ، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
مشروط به دریافت اجازه کتبی ناشر است.

فهرست

- تأثیر موسیقی بر انسان / ۷
- تقلید در روند فراگیری / ۱۳
- انسان، هنر و تقدس / ۲۱
- آفرینش در موسیقی ایرانی / ۲۷
- روش نوین آموزش آکادمیک موسیقی / ۳۵
- فن اجرا (تکنیک) در اصول اجرای موسیقی / ۵۳
- موزیکالیت (اجرای موسیقایی) / ۶۵
- دشغراژ (اجرای یک باره نت های موسیقی) / ۹۳
- انجمن های فیلارمونیک (دوستانان موسیقی) / ۱۱۵

تأثیر موسیقی بر انسان

اثر موسیقایی به هنگام شنیده شدن توسط فردی که تنها شنونده موسیقی است و نه اجراکننده‌ی آن، موجب سه رخداد در ذهن وی می‌شود که هریک از این سه نیز به دو وجه تفکیک می‌یابد. تمامی این موارد به صورت جداگانه و یا آمیخته با هم نیز می‌تواند در وجود فرد شنونده اثر موسیقایی بروز کند:

الف: تبعیت ۱. آوازی ۲. حرکتی

ب: تداعی ۱. مسبوق عام ۲. مسبوق عین

پ: تخیل ۱. معلوم ۲. مجهول

آواز سردادن یا زمزمه کردن انسان همراه با یک اثر موسیقایی که در جریان شنوایی وی قرار دارد در حقیقت «تبعیت آوازی» او از آن اثر موسیقایی است. هرگاه این هماهنگی و همراهی انسان با اثر موسیقایی که در جریان شنوایی وی قرار دارد از راه حرکت بدن انجام پذیرد، در این صورت موسیقی مورد نظر، انسان شنونده را وادار به «تبعیت حرکتی» (رقص) کرده است. تبعیت آوازی یا حرکتی از یک اثر موسیقایی توسط انسان، به نوعی فرمان‌پذیری و اطاعت مغز اوست از موسیقی‌ای که در حال شنیدن آن است.

اصوات با اشکال گوناگون در هر اثر موسیقایی؛ از راه شنوایی به مغز انسان می‌رسد. در آن جا پس از دریافت (پذیرش) به صورت

فرامین صادره از مغز با به لرزش درآوردن تارهای صوتی وی و یا به حرکت درآوردن اعضای بدن انسان، بروز و نمود می‌یابد. این پذیرفتن و پیروی از موسیقی توسط انسان؛ هراندازه دقیق‌تر و منظم‌تر انجام پذیرد، به همان نسبت می‌تواند راه پذیرش و تبعیت توأم با دقت و صحت هرچه بیشتر مغز انسان را که اصل بسیار مهم در فراگیری هاست هموار سازد.

تبعیت «آوازی» یا «حرکتی» از یک اثر موسیقایی توسط شنونده‌ی موسیقی، اغلب «تبعیت شکلی» و در برخی موارد «تبعیت شکلی و معنایی» است.

بدیهی است در روند «تبعیت شکلی» تنها ظواهر اجرای آثار موسیقایی آن هم از راه حافظه طوطی‌وار و نیز عادت‌های برآمده از تکرار بر وجود انسان مستولی می‌شود. حال آن‌که در روند «تبعیت‌های شکلی و معنایی» فرد شنونده‌ی موسیقی، علاوه بر وقوف به واقعیت‌های بیرونی (شکلی) بر معانی، مفاهیم و حقیقت امر نیز دست می‌یازد.

هرگاه شنود یک اثر موسیقایی توسط انسان موجب فراخوانی مورد یا واقعه‌ای در ذهن وی شود و آن واقعه یا مورد؛ غیر از موسیقی‌ای باشد که او در حال شنیدن آن است و نیز به شرط آن‌که سابقه‌ی آن مورد یا واقعه‌ی فراخوان شده در ذهن فرد شنونده از پیش در بایگانی محفوظاتش (حافظه) دقیقاً به همان صورت موجود بوده باشد، موسیقی شنیده شده توسط شخص، سبب تداعی «مسبق عام» در ذهن وی شده است. به عبارتی دیگر در تداعی «مسبق عام»

انسان از راه شنود يك اثر موسیقایی خاطره‌هایی را در ذهن خود فرامی‌خواند و تداعی می‌کند که عیناً به همان وجه قبلاً در محفوظات ذهن وی بایگانی شده است. حال اگر تنها بخشی از تداعی فراخوان شده، دقیقاً به همان صورت از پیش در حافظه موجود بوده باشد و بخش دیگر آن، با استفاده از مواردی مانند «تداعی: مسبوق عین» «تبعیت: آوازی - حرکتی» و یا «تخیل: معلوم - مجهول» باشد که پس از این به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، بدیهی است این اتفاق تنها «تداعی: مسبوق عام» نبوده بلکه به صورت اختلاطی از موارد مذکور در ذهن فرد شنونده بروز خواهد کرد. با توجه به موارد ذکر شده «تداعی: مسبوق عام» حاصل آمده از شنود يك اثر موسیقایی توسط انسان است که خاطرات از پیش بایگانی شده در محفوظات وی را از حال راکد مانده در ذهن او خارج کرده به جریان و سیلان وامی‌دارد. این امر که در واقع مرور خاطره‌ها در ذهن شنونده موسیقی است - می‌تواند برای دست‌یابی وی به تمرکز و در پی آن حصول به آرامش و نشاط، بسیار مؤثر افتد.

هرآینه خاطره فراخوان شده در ذهن فرد شنونده دقیقاً همان اثر موسیقی باشد که در جریان شنوایی وی قرار دارد، در این صورت این امر موجب «تداعی: مسبوق عین» در ذهن او خواهد شد.

اثر موسیقایی اگر عین خود را در محفوظات بشریابد، در این صورت با تحریک حافظه، عین محفوظ شده‌ی خود را در ذهن - که از راه تکرار در شنوایی وی حاصل آمده است - برای تطبیق و متعاقباً تصحیح فراخوان می‌نماید. این واقعه که همان «تداعی: مسبوق

عین» است می‌تواند عین سابقه اثر موسیقایی را که فرد به آن گوش فرا می‌دهد از حال راكد مانده در ذهن وی خارج کرده و به جریان وسیلان وا دارد. بنابراین انسان به هنگام «تداعی: مسبوق عین» می‌تواند یکایک اشکال و معانی اثر موسیقایی را که به آن گوش فرا می‌دهد با عین سابقه موجود در ذهن منطبق کرده و در صورت درستی در انطباق و یا در بعضی موارد به شرط برتری کیفیت اجرای اثر موسیقایی نسبت به عین سابقه موجود در ذهن، فرد شنونده به تمرکز، رضایت و نشاط بسیاری دست می‌یابد.

آن دسته از آثار موسیقی که نتواند انسان شنونده را وادار به تبعیت آوازی یا حرکتی بکند حتی قادر نباشد خاطره هر مورد یا واقعه انسجام یافته از پیش در محفوظات بشر را در ذهن وی تداعی «مسبوق عام» یا «مسبوق عین» کند، در این صورت آن اثر موسیقایی، فرد شنونده را وادار به تخیل در یکی از انواع «معلوم» یا «مجهول» می‌نماید.

«تخیل معلوم» در حقیقت تخیلی است خودخواسته و دارای تصویر ذهنی واضح و آشکار، حال آنکه تصویر ذهنی «تخیل مجهول» ناخواسته و همراه با اوهام و ابهام است.

فرد شنونده‌ای که از راه شنود آثار موسیقایی؛ ناخواسته در وادی «تخیل مجهول» سیر می‌نماید به تدریج توان رویارویی خود را با واقعیت‌های زندگی از دست می‌دهد. بدون تردید بازگرداندن چنین افرادی به عالم معلوم و نیز بدیهیات در هر وادی موجود، اندکی دشوار خواهد شد.

۱۱ شریف لطفی

وداشتن ذهن انسان به «تخیل معلوم» هنگام شنود آثار موسیقایی، فرد را به تفکر واداشته و از راه برانگیختن قوه تخیل، ذهن وی را خودخواسته نسبت به پردازش تصاویر معلوم و همگون با موسیقی که در جریان شنوایی اش قرار دارد، وادار می سازد. بنابراین دامن زدن به «تخیل معلوم» از راه شنود آثار موسیقایی، ذهن انسان را برای رویارویی وی با واقعیت ها و معلومات، کارایی و توانایی فراوان می بخشد و این امر می تواند به توانمندی ذهن انسان در رابطه با خلاقیت هایش نیز کمک بسیار ارزنده ای بکند.

اثر موسیقایی اگر عین خود را
در محفوظات بشر بیابد، در
این صورت با تحریک حافظه،
عین محفوظ شده‌ی خود را در
ذهن - که از راه تکرار در شنوایی
وی حاصل آمده است - برای
تطبیق و متعاقبا تصحیح فراخوان
می نماید. این واقعه که همان
«تداعی: مسبوق عین» است،
می تواند عین سابقه اثر موسیقایی
را که فرد به آن گوش فرا می دهد
از حال را کد مانده در ذهن وی
خارج کرده و به جریان و سیلان
وادارد. بنابراین انسان به هنگام
«تداعی: مسبوق عین» می تواند
یکایک اشکال و معانی اثر
موسیقایی را که به آن گوش فرا
می دهد با عین سابقه موجود در
ذهن منطبق کرده و در صورت
درستی در انطباق و یا در بعضی
موارد به شرط برتری کیفیت
اجرای اثر موسیقایی نسبت به
عین سابقه موجود در ذهن، فرد
شنونده به تمرکز، رضایت و نشاط
بسیاری دست می یابد ...